

جنبش دانشجویی آذربایجان

بایدها و نبایدها

حسین سلطانی •

دانشجوی دکترای ژئوتکنیک

کشور ما ایران در قرن اخیر شاهد تحولات اجتماعی - سیاسی متعددی بوده است. علیرغم اینکه در شکل گیری این تحولات آحاد مردم ایران نقش داشته‌اند، ملت دار این تحولات بوده است. همچنین می‌دانیم که ایران کشوری است متشکل از اقوام و ملل مختلف، که به نوعی در توسعه و پیشرفت کشور عزیزمان ایران، نقش بسزائی داشته‌اند. در قبال این زحمات، بالطبع مطالبات و خواستههایی نیز دارند. اما روند حوادث کشور اهتمام مسئولین کشور را به سمتی سوق داده که چنین موضوعات مهمی بر اثر شرایط اجتماعی - سیاسی کشور نادیده گرفته شده است. پایان جنگ تحمیلی و تثبیت نسبی اوضاع کشور، فرصتی را پدید آورد تا ملل و اقوام مختلف کشور مطالبات خود را از مسئولین تقاضا نمایند. این مطالبات، بدلیل حاد بودن تبعیض و ظلم در گذشته، در منطقه آذربایجان از سوی نخبگان ملت آذربایجان به شکل نسبتاً جدی پیگیری شد. اگر چه در آن زمان بدلیل جو سیاسی حاکم جلوی طرح این مطالبات گرفته می‌شد، ولی با توسعه این فرآیند در میان قشر دانشجویی آذربایجان، این حرکات اجتماعی - فرهنگی رو به تکوین شدن نمود.

دانشجویان آذربایجانی در سراسر دانشگاههای کشور، با اجرا و برگزاری برنامه‌های فرهنگی مختلف و اعتراض به سیاستهای دولت در مورد اقوام و ملیتهای کشور، نبض این فعالیتها را در اختیار گرفتند. همچنین در تحقق این اهداف همگام با سایر اقشار ملت، در جریان تکوین دوم خرداد تأثیرگذار شدند. رفتار سیاسی مردم آذربایجان بالاخص دانشجویان در انتخابات سالهای اخیر، پیامهایی را به مسئولین اجرائی از اجتماع فرستاد. پیامی که هم شامل مطالبات ملی و هم محلی بود. اما عدم توجه مسئولین به این پیامها سبب شد که این طیف در ردیف جریانی مستقل قرار گیرد.

رفتار شناسی جنبش دانشجویی آذربایجان در طول این مدت نشان می‌دهد که هر چند بدلیل فضای سیاسی کشور تجربه کم فعالیتهای این طیف در اوایل به نوعی احساسی ظاهر گردید، ولی پس از تکوین دوم خرداد و باز شدن فضای سیاسی کشور، همچنین با دستیابی به تجربه نسبی در این گام جنبش دانشجویی آذربایجان از حالت احساسی خارج شده، و به حرکت و فعالیت منطقی روی آورد. پافشاری و اصرار قشر دانشجویی آذربایجان چه در عمل و چه در حرف، دال بر این مدعاست. نمونه عینی این را می‌توان در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمعیت دانشگاهیان آذربایجانی

در طول چندین سال اخیر دید، که با استقبال گروه‌های مختلف فکری کشور، بویژه قشر فهیم دانشگاهی مردم آذربایجان مواجه شده است.

این جنبش به لحاظ پویائی و آرمانگرایی دانشجوی و نبود ساختار و نهاد مدنی، در طرح مطالبات محلی تاکنون نقش مؤثری داشته و توانسته فارغ از جناح‌بندیهای سیاسی کشور، علیرغم سنگ‌اندازیهای مسئولین و بدون هیچ پشتیبانی، با اتکاء به خدا و ایمان به مقدس بودن اهداف، در پیشبرد اهداف خود گام بردارد.

نگارنده به تدریجی بودن فرآیند اجتماعی - فرهنگی (به نوع ملی - مدنی) و نیز مشکلات ساختاری در تحقق اهداف آن معتقد است. اما در حال حاضر بدلیل اینکه عمده‌نخبگان این ملت، بدلیل نفوذ در لایه‌های حاکمیت و ترس از دست دادن مقام، نیازی برای طرح این مطالبات احساس نمی‌کنند و همچنین بدلیل نبود نهادهای مدنی، جنبش دانشجویی آذربایجانی مسئولیت دو چندان را در تکوین هر چه بیشتر این حرکت بر عهده دارد. از اینرو، به لحاظ آسیب‌شناسی جریان و نگرش به آینده چندین نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱. اول اینکه قشر دانشجویی دارای توان نهفته‌ای است که به علل مختلف بسیاری از این دانشجویان از توان بالقوه خویش استفاده نمی‌کنند. عدم شرکت و فعالیت دانشجویان در فعالیتهای مختلف، حرکت را از این نیروهای سودمند محروم می‌کند. با توجه به تعداد کثیر دانشجویان آذربایجانی در دانشگاههای کشور، این نکته در جنبش دانشجویی آذربایجان، نمود بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین، جهت بسیج این دانشجویان در پیشبرد هر چه بیشتر اهداف، لزوم همگرایی بیشتر دانشجویان آذربایجانی در دانشگاههای سراسر کشور و سازماندهی آنان احساس می‌شود.

۲. نکته دوم، در ارتباط با نوع برخورد حاکمیت با این جنبش دانشجویی است. می‌دانیم که در گذشته در کشور ما هر گونه تمایل به تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از سوی ملل غیرفارس کشور، به نوعی با بی‌مهری و مخالفت حاکمیت روبرو بوده است. بنابراین، همواره حاکمیت برای سرکوب و ممانعت از چنین فعالیتهایی، فضای بسته‌ای را ایجاد می‌کند تا با سوق دادن حرکت بسوی فعالیتهای احساسی و غیرمنطقی، این نوع حرکات را در تضاد با حاکمیت و دولت قلمداد نموده و بهانه لازم را برای سرکوب این حرکات فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، برای سرکوب راحت‌تر این حرکات حاکمیت سعی در وابسته نمودن این فعالیتها به کشورها و عوامل خارجی دارد. با پای نهادن این حرکت به دومین دهه خود با کسب تجربه لازم، اولاً طرح مطالبات ملی - محلی در چهارچوب قانون اساسی کشور و پایبندی به نظام مقدس جمهوری اسلامی از راههای قانونی و غیراحساسی، ضروری می‌نماید. ثانیاً، بر دانشجویان فرض است برای تحقق اهداف و منحرف نشدن حرکت از نفوذ هر گونه عوامل خارجی و بیگانه در توده آنان جلوگیری نمایند و در این مورد بر مسئولین امنیتی نیز ضروری است که در شناسایی عوامل انحراف و افراد نفوذی در بطن حرکت، همکاریهای لازم را با

دانشجویان داشته باشند. همچنین حاکمیت برای تحقق جامعه مدنی، مطالبات محلی ملل و اقوام مختلف، بویژه از سوی قشر دانشجویی این طیف را مخالف منافع ملی ندانسته، و ذهنیتهای خود را نسبت به مطالبات اقوام و ملل خود اصلاح کنند. چه بسا که تکرار تفکرات گذشته از سوی حاکمیت، شکافهای قومی و ملی را در کشور سبب شده و امنیت و اقتدار ملی را به خطر خواهد انداخت. زیرا در صورت غلبه نگرش کثرت‌ستیز و حذف تنوعات در برنامه‌ریزیهای سیاسی و فرهنگی به سایر نگرشها، نخبگان اقوام و ملل مختلف، فرصتی را برای اثبات وجود و ارائه خود ویژگیهای محلی نمی‌یابند و این برای وحدت ملی مخاطره‌آمیز است.

به امید روزی که حقوق تمامی اقوام و ملل مختلف کشور به نحو احسن اعطا گردد.